

ممکن است تولید شبهه کند در این پیشنهاد  
نقطه نظر آقایان رعایت شده شاید ماده آنطور  
واضح نباشد و آن این است که اگر در  
حین رسیدگی به تقصیر اداری همانطور که  
آقای مدرس گفتند مثلا فلان وزارتخانه  
بموجب راپورت مفتش خودش که فلان مأمور  
یک تقصیر و خلاف نظامات اداری رفتار  
کرده در حین رسیدگی بآن تجارزات اگر  
تعلیق کنید رسیدگی با مواد بعد ملاحظه  
می فرمائید همانطور که آقایان منصور السلطنه  
و داور توضیح دادند خود این قانون تقصیرات  
دهومی را پیش بینی کرده که اگر علاوه بر  
ماخذ مقرر نگیرد بمعصکه جنایت می رود و  
اگر رشوه و ارتشاء است بمعصکه صالحه  
می رود ولی در معاصی که بدوی رسیدگی اداره  
که می خواهد ببیند امر واقع شده یا نه  
اگر واقع شده باشد بمعصکه صالحه خواهد  
فرستاد اگر مسلم و معزز شد که یک خسارتی  
هم وارد آمده است و اقرار کرد که صد  
تومان گرفته است هیچکس نمی گوید که  
برای صد تومان باید هر برود هر بیضه جدا  
گانه بمعصکه اختصاصی یا یک هر ضحالی  
بمدلیه بدهد این یک قضیه ایست مسلم ولی  
یک وقتی است که این ماده باید پیش بینی  
این معنی را بکند که یک مستخدم یا مأمور  
اداری اگر طرف دعوی واقع شد اگر  
صرف از نقطه نظر این است که این دعوی  
انفرادی داشته باشد باید بمعصکه اداری  
رجوع شود اگر برای این است که یک  
سندی برای دعوی حقوقی یا جزائی تحصیل  
کنند از آن معصکه اداری ممکن نیست  
کند و صالح برای رسیدگی نیست و باید  
برود بمعصکه صالحه اگر آقایان بقانون  
مدلیه اعتراضاتی دارند تقصیر مقنن چیست ؟  
مدلیه بطور جریان دارد تقصیر این قانون  
چیست ؟ اگر اسم مدلیه را می برید معنایش  
این نیست که مردم مایوس شوند خواهش  
می کنند این تقصیر را بفرمائید در صورتیکه  
مدلیه هم اینطور نیست ما نمی خواهیم تنقید  
کنیم و بتعریف کنیم بملاوه در اینجا که  
معصکه اختصاصی معین شده است برای  
چیست ؟ برای اینکه چون وسایل کشف  
جرم مقصر برای معصکه اداری و اختصاصی  
سهل و آسان است و مادامی که معصکه  
اختصاصی نیست بمدلیه رجوع می شود و  
بطور جریان معاصی هم در مدلیه همدی  
نیست در هر کجای دنیا که ملاحظه بفرمائید  
تشکیلات خیلی منظمی هم دارند باز یک  
معصکه در مدلیه دو سال سه سال چهار سال  
پنج سال ده سال طول می کشد چرا  
چون اصول معاصی حقوق الزام  
می کند و در هر معاصی که تقاضائی دارد  
ولی در همین حال اگر ما در قواعد و اصول  
معاصی طوری پیش بینی کنیم که گرفتار  
این اشکالات هم نشویم بالفصل در این  
ماده دو چیز را باید پیش بینی کرد بنده

پیشنهاد کرده ام یکی در موقعی که در چنین  
رسیدگی بتقصیر اداری حالا می خواهد بنای  
این رسیدگی راپورت مفتش یا اطلاع خود  
رئیس یا اطلاع شاکی باشد اگر معزز شد  
و ثابت شد که بموجب اقرار خودش یا بموجب  
پولی که آنجا پیدا کردند و بموجب اطلاع  
قطعی یک خسارتی بمن وارد شد البته باید  
رد کند هیچ تردید نیست دعوا هم نمی خواهد  
مثلا یک مأموری خلاف کرده و یک خسارتی  
هم بمن آورده است البته باید بگیرند و  
بمن رد کنند ولی اگر یک دعوائی باشد و  
من خواستم یک خسارتی را ادا کنم  
بایستی یک معصکه دیگری غیر از این معصکه  
اداری که برای تشکیل تقصیرات اداری  
تأسیس شده بروم آقای مدرس بمعصکه  
مدلیه مثل زدند بلی خود آقای مدرس که در  
نوهتن قانون مدلیه شریک بوده اند باید  
بدهند به چه وجه من الوجوه معصکه اداری  
حق ندارد رسیدگی بخسارات کند بلکه  
فقط وظیفه اش این است که بتغلف از  
نظامات اداری رسیدگی کند یا نه ؟ اگر  
کسی تغلف کرده است او را مجازات اداری  
می دهند و این مجازات یا انفصال دائم از  
خدمات دولتی است و انفصال دائم از خدمات  
دولتی از تمام مجازاتهای اداری بالاتر است  
ولی اگر یک آدمی را ده روز حبس کنند  
از نقطه نظر حیثیات و هرافت خیلی شدید تر  
است و کسی که خوب نتوانسته کار بکند از  
خدمت معاف می شود در این صورت انفصال  
دائم ممکن است نظر بیک دلایلی پیش  
بیاید که هیچ نوع هتک حیثیت و هرافت نکند  
و اما اگر کسی مجبوس بشود یا معصوم  
بیک مدی شود این خیلی بد است ولی  
انفصال دائم از نقطه نظر نظامات اداری  
است و هر وقت معصکه ثابت کرد این مستخدم  
بدرد اداره نمی خورد او را منفصل می کند  
و هتک حیثیت و هرافت او هم نشده ما می  
خواهیم اداره را در قسمتهای جزائی مداخله  
بدهیم حالا این پیشنهادی را که بنده عرض  
می کنم با پیشنهاد سایر آقایان را ملاحظه  
فرمائید هر کدام خوب بود قبول بفرمائید  
رئیس - پیشنهادی از آقای فتح -  
الدوله رسیده گویا مقدم باشد  
بشرح ذیل قرائت شد  
بنده پیشنهاد می کنم که این ماده ۴۷  
مراجعه شود یا ملاحظه اطراف تجدید نظر  
شده تا نیا بمجلس شورای ملی تقدیم شود  
فتح الدوله  
فتح الدوله - بنظر بنده این ماده یکی  
از مهم ترین مواد این قانون است و بنده  
دلایل مخالفین و موافقین را که گوش کردم  
دیدم انصافا طرفین دلایل قطعی دارند و  
نمی شود در آنها توجه نکرد بنا بر این بنده  
بهترین دیدم که این ماده برگردد بکمیسیون  
و در آنجا کاملا دقت شود و مجدداً بمجلس  
باید به جهت بعیده بنده لازم است که این

ماده برگردد بکمیسیون و کمیسیون کاملاً  
دقت نموده مجدداً بمجلس مراجعه دهد و در  
مجلس این همه گفتگوها زیاد نشود و وقت  
مجلس هم در اطراف این پیشنهادات تلف  
شود  
رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را  
قابل توجه می دانند قیام فرمایند  
اغلب قیام نموده  
رئیس - قابل توجه شد . مراجعه  
می شود بکمیسیون راپورت کمیسیون بودجه  
راجع بتقاضای چهار هزار و سیصد تومان که  
برای مصارف سند ناحیه مدلیه های ولایات  
از طرف وزارت مدلیه پیشنهاد شده مطرح  
است  
بمضمون ذیل قرائت شد  
مجلس شورای ملی تصویب می نماید  
که برای اضافه مصارف سند ناحیه تقاضای  
سال ۱۳۰۰ مدلیه ولایات مبلغ ۴۳۰۰  
تومان اعتبار بوزارت مدلیه داده می شود  
از باب اعتبار ۵۰ هزار تومان سند گذشته  
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله  
( اجازه )  
حاج شیخ اسدالله - در آن جلسه که  
این لایحه مطرح شد دو نظر بود که این  
لایحه از دستور خارج شد یکی اینکه معاون  
یا وزیر مدلیه بایستی توضیح بدهند که این  
تقاضا راجع بچه قسمتها و برای چه مصارفی  
است و یک قسمت دیگر راجع باین بود که  
این راپورت کدر کمیسیون تصویب شد از  
وجه اعتبار سند ناحیه است در صورتی که  
وجه اعتباری سند گذشته بموجب صورتی که  
داده شد دیگر مدلیه از آن وجه باقی نیست  
باید دولت در نظر بگیرد که این وجه از چه  
مجلسی باید پرداخته شود چون این قسمت را  
کمیسیون تعیین کرده است و نه دولت و باید  
وزیر مدلیه در اینجا توضیح بدهد که آیا  
نظرشان این است از عایدات هذمه السنه  
داده شود یا عایداتی از سند ناحیه در نظر  
دارند ؟ و چون این قسمتها معلوم نیست  
باید توضیح داده شود و اگر آقای معاون  
وزارت مدلیه نسبت بقسمت اخیر هم می توانند  
توضیح بدهند بفرمائید والا بنده تقاضا  
می کنم بماند تا وزیر مدلیه بیاید و راجع به  
قسمت اخیر توضیح بدهد  
معاون وزارت مدلیه - بنده نسبت  
بقسمت اول فرمایشات آقای حاج شیخ  
اسدالله تصور می کنم در مقدمه این لایحه  
تا یک اندازه آن صورت جزئی معصکه  
بکمیسیون داده شده است کاملاً تعیین میکنند  
که این اعتبار برای چه مصرفی است برای  
تفاوت قیمت سوخت است که در بعضی جاها  
کفایت نکرده یا برای تفاوت قیمت خانه  
است که در بعضی جاها زیاد تر شده است و  
بکسورت جزئی هم ضمیمه این پیشنهاد شده  
بود و در کمیسیون بودجه یک یک تحت  
مطالعه و دقت در آمده و معلوم شده و همچنین

راجع باینکه از اعتبار سند ناحیه مدلیه است  
یا نه ؟ بنده مطابق تحقیقاتی که از وزارت  
مالیه نموده ام از پنجاه هزار تومان ۲۳ هزار  
و ۳۷۹ تومان و یکقران و ۵۰۰ دینار  
خرج کرده اند و ۲۶ هزار و ۲۰ تومان و ۸  
قران و دهشاهی محل هست  
رئیس - عده برای مذاکرات کافی  
نیست برای رأی گرفتن هم گمان می کنم  
کافی نباشد بقیه مذاکرات اگر آقایان  
تصویب بفرمائید میماند برای فردا  
حاج شیخ اسدالله - راپورت کمیسیون  
مدلیه راجع به بیست منصفه اگر طبع و توزیع  
شده این را فردا یا روز سه شنبه جزو دستور  
قرار دهید  
رئیس - طبع و توزیع نشده میماند  
برای روز سه شنبه  
( جلسه سه ساعت از شب گذشته  
ختم شد )  
رئیس مجلس - مؤمن الملك  
جلسه ۱۶۵  
صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه  
نوزدهم ربیع الاول ۱۳۴۰  
مطابق هفدهم عقرب ۱۳۰۱  
مجلس تقریباً یکساعت قبل از غروب  
بریاست آقای مؤمن الملك تشکیل گردید  
( صورت جلسه یوم قبل را آقای  
مستشار السلطنه قرائت نمودند )  
رئیس - صورت جلسه ایرادی ندارد ؟  
تصویب شد  
در چندی قبل از طرف مجلس آقای  
سردار جنگ چهل روز مرخصی داده شد که  
که برای تحقیقات بابل به تباری بروند جدیداً  
تلگراف کرده اند و برای تکمیل تحقیقات  
یکماه دیگر مرخصی خواسته اند و حقوق  
این یکماه را هم برای کتابخانه مجلس  
اختصاص داده از کمیسیون مرخصی هم  
این مرخصی را تصدیق کرده است حالا  
باید در آن رأی بگیریم  
آقای اقبال السلطان  
اجازه  
اقبال السلطان - مطابق آنچه تا  
کنون معمول بوده است بیش از ۲ ماه به  
آقایان نمایندگان مرخصی داده نمیشده است  
فقط شاهزاده نصرت الدوله اجازه ۵ ماه  
مرخصی خواسته اند و مجلس هم اجازه داده  
و ایشان حقوق خود را بکتابخانه مجلس  
تقدیم کردند بمقیده بنده ایشان حق نداشته  
انده ماه مرخصی بگیرند و حقوقشان را هم  
که تقدیم کتابخانه کردند در حقیقت از  
کیسه دیگران بخشش کرده اند آقای  
سردار جنگ هم بیش از دو ماه حق مرخصی  
ندارند و ایشان هم مرخصی داده شد حالا  
هم با یکماه مرخصی ایشان مخالف نیستم  
ولی باختصاص دادن حقوق یکماه مرخصی  
علاوه را بکتابخانه مخالفم  
حاج میرزا مرتضی مخبر کمیسیون مرخصی



عرض میکنم همچو سابقه تا کنون در مجلس نبوده است که بیش از ۲ ماه مرخصی داده نشود مرخصی بسته بنظر آقایان نمایندگان است حقوق هم تعلق بخودشان دارد و می توانند حقوقشان را بیک ماه دو ماه سه میل دارند بکنایه آنکه اختصاص بدهند و هیچ همچو سابقه تا کنون در مجلس نبوده که بیش از دو ماه مرخصی داده نشود رئیس - این مأموریتی که ایشان دارند هم ملت و هم دولت همه علاقه مند بدان می باشند آقایانی که بیک ماه مرخصی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد لایحه ای است راجع بسکوکات شکسته و ناقص از طرف دولت رسیده است و قانونی برای مسکوکات قراضه پیشنهاد کرده اند اگر تصویب فرمایند به کسب و فروش این مابله ارجاع میشود در ارجاع بکمیسیون مغالفتی نیست؟ (جمعی گفتند خیر)

رئیس - قانون استخدام ازماده سو و هشتم مطرح است ماده سی و هشتم بشرح ذیل قرائت شد. ماده ۳۸ مجازات اداری بقراردیل ۱ اختار کتبی بدون درج در وورقه خدمت. ۲- توییح کتبی بادر ج در وورقه ۳- کسر حقوق ماهیانه تایک نلت از یک ماه تا ششماه ۴- انفصال موقت از سه ماه تا یکسال ۵- تنزل مقام یک درجه ۶- انفصال دائم از وزارتخانه زیمدخل ۷- انفصال دائم از خدمات دولتی. مغیر- مادر کمیسیون اینطور اصلاح کردیم که آنچه وجوه در زمان خدمت به مستخدم داده میشود آنرا (مقرری) آنچه بعنوان وراثت با سایر ترتیبات پرداخت میشود (وظیفه) اطلاق شود نم بعد در این قانون آنچه حقوق در مدت خدمت نوشته شده است باید تبدیل به مقرری شود رئیس - آقای سردار فاخر (اجازه) سردار فاخر - اطهارات بنده راجع به ارجح مجازات اداری است که در ماده سی و هفت نوشته شده است بنده تصور میکنم کمیسیون مختصر اشتباهی کرده است زیرا در چه چهار مجازات انفصال موقت از ۳ ماه تا یکسال قرار داده و در چه پنجم را یکدرجه تنزل مقام قائل شده است و این مسئله بدیهی است هرچه خطا خیانت شدیدتر باشد مجازات هم باید زیاد تر باشد و در اینجا معکوس شده است زیرا عضو منصف هم در نظر موهوم است و هم از حقوق محروم و

مستخمی که یکرتبه او کسر شده باشد بیک قسمت همه حقوق خود را دریافت میدارد و هم در خدمت دولت باقی است علاوه انفصال هم بعمل نمی آید جز در مقابل یک خیانت بدنی ولی تنزیل یکرتبه ممکن است در مقابل یک اشتباه بزرگی که مستخدم مرتکب شده بعمل آید. بنابراین منتهی مجازات درجه پنجم بعاید درجه چهارم و درجه چهارم بجای درجه پنجم معین شود اگر آقای مغیر قبول فرمایند فیها و الا بنده پیشنهاد میکنم تارای آقایان نمایندگان چه اقتضا کند. قسمت دوم مغالفت بنده راجع به جزء هفتم است که بعد از انفصال دائم از وزارتخانه ذی مدخل می نویسند انفصال دائم از خدمات دولتی بنده تمام ادارات را متعلق بیک ملکوت تمام امضاء ادارات را مستخدم یک دولت می دانم بدیهی است در مقابل یک خیانت بزرگی مستخدم مسکوم بانفصال دائم از اداره که در آن بوده است میشود و با این وضعیت فعلی که بیشتر هرج و مرج ادارات ما بواسطه عدم مجازات است خیلی جای تأسف است که با این اصول ملاحظه کاری و عدم اراده ترویج به تقاضاهای دوستانه که در ملکوت ما حکم فرما است باز هم برای مستخدمین که مرتکب خیانت خیلی بزرگی می شوند راه باز نگذاریم و اجازه بدهیم که یک مغتلس زبردستی که در یک اداره با وزارتخانه دیگری داخل شود در صورتی که اصلا نباید گذارد آن شخص در هیچ وزارتخانه و اداره داخل شود باین جهت بنده پیشنهاد می نم جزء ششم حذف شود تا رای آقایان چه اقتضا کند

مغیر- اولاد در جواب قسمت اول اعتراض آقای مغیر عرض میکنم تنزل یکرتبه البته مجازات شدید تری است از انفصال موقت از ۳ ماه تا یکسال زیرا مستخدمی که یکدرجه تنزل کرد دو یا سه سال مقرری و حقوق تقاعد او بر میگردد به عقب و البته این مجازات از انفصال موقت تا ۳ ماه با یکسال شدیدتر است اما انفصال دائم از وزارتخانه زیمدخل ممکن است یکدرجه در یک وزارتخانه مدتی مستخدم باشد ولو اینکه هیچ خیانت هم نکرده باشد ولی از عهده انجام کارهای آن وزارتخانه نمی تواند برآید و بدین واسطه از آن وزارتخانه منفصل میشود و در این صورت می تواند در وزارتخانه دیگر داخل بشود ولی انفصال دائم از خدمات دولت آن یک مجازاتی است اشد مجازاتها و موقمی که یک مستخدمی یک خیانت بسیار بزرگی کرده باشد از دخول در خدمات محروم میشود

رئیس - آقای اقبال السلطان اجازه رئیس - آقای اقبال السلطان اجازه کتم که آید در کمیسیون مذاکره شده است که تصصیرات و درجات مجازات آخررا کی قابل است تا آنکه شخص وزیر؟ خواهد کرد یا آنکه شخص وزیر؟

مغیر - ماده چهل و دوم را بخوانید تشصیرات انواع تصصیرات اداری و تعیین مجازات و طرز جریان مجاکمه تمام نظام نامه معین میکند

رئیس - پیشنهادی است از طرف مدرس قرائت میشود بنده پیشنهاد میکنم در فتره پنجم نوشته شود تنزل مقام یکدرجه یا زیاد تر (مدرس)

رئیس - آقای مدرس اجازه مدرس - مسئله این است که بعضی اوقات تصصیر مقتضی می شود که بیش از یکدرجه تنزل مقام بدهند مثلا مستخدمی تصصیرش بانداژ دو یا سه درجه تنزیل مقام است ولی بدرجه انفصال از اداره تصصیر ندارد و برای اجرای این امر این ماده ساکت است بدین جهت بنده پیشنهاد کردم نوشته شود تنزل مقام یکدرجه زیاد تر

مستشار الملک - مقصود ازین ماده این است که اگر در ضمن مجاکمه اداری معلوم شد مستخدمی مرتکب جنحه یا جنایتی شده است بمجاکم عمومی احاله شود و در آنجا مجاکمه شود حالا اگر در مجاکم عمومی تیره حاصل کرد دیگر مورد ندارد مجددا بمجاکمه اداری برود

مستشار الملک - مقصود ازین ماده این است که اگر در ضمن مجاکمه اداری معلوم شد مستخدمی مرتکب جنحه یا جنایتی شده است بمجاکم عمومی احاله شود و در آنجا مجاکمه شود حالا اگر در مجاکم عمومی تیره حاصل کرد دیگر مورد ندارد مجددا بمجاکمه اداری برود

مغیر - تصور می کنیم آقا اشتباه کرده اند هر گاه در بین مجاکمه اداری شخص مظنون را بمجاکم عمومی جلب کردند مجاکمه اداری آن شخص در همان حال باقی میماند و پس از آنکه آن شخص در مجاکم عمومی تیره حاصل کرد بر می گردد بمجاکم اداری شاید در اداره محکوم یکی از مجازاتهای مندرجه در ماده سی و هشتم بشود و اگر در مجاکمه اداری محکوم نشد آنوقت ماده چهارم شامل حال او میشود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - عقیده بنده بر خلاف توضیحی است که آقای مغیر فرمودند منی دانم این مسئله را که فرمودند عقیده خود ایشان است یا عقیده کمیسیون

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده خواستم از آقای مغیر تقاضا کنم که توضیح بدهند تا این ماده روشن شود

رئیس - آقای مغیر توضیح می باشد برای تیره او کافی است و می تواند بمقام خودش بر گردد حالا مدعی عمومی و مدعی خصوصی هر کدام یک حق هائی دارند آن حق هادر مرحله خودش باقی است ولی این حکم محکمه ابتدائی گذر دست مستخدم است عجالتا برای تیره او کافی است و مستخدم می تواند بموجب آن حکم بمقام خودش رفته کارهایش را انجام دهد و این توضیحی را که آقای مغیر دادند تصور می کنم برای مستخدم تولید بکنند زیرا ممکن است دو سال یا سه سال بپشتتر یا کمتر سیر قانونی مجاکمه طول بکشد و در این مدت مدت مستخدم بیچاره باید بچبران و سرگردان باشد تا بتواند حکم قطعی برای تیره خودش بدست بیاورد

مغیر - همان علتی را که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند که به آن ملت مستخدمی را به محکمه ابتدائی جلب کردند کردند ب همان علت بعد از این که حکم محکمه ابتدائی هم صادر شد آن شخص نمی تواند سر کار خودش برود زیرا آن شخص هنوز مظنون و متهم است و اگر می فرمایند این ترتیب خوب نیست پس لازم است بگویند اصلا بمجاکمه عمومی نرود همانطور سر کار خودش باقی باشد و این مسئله بهیچوجه عملی نیست و نمی توان قبول کرد

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - گمان می کنم آقای حاج شیخ اسدالله اشتباه فرموده اند برای این که این ماده خیلی واضح روشن نوشته شده است زیرا تصصیر بر دو قسم است یا جنحه و جنایت است یا تصصیر اداری است اگر در ضمن مجاکمه تصصیر اداری معلوم شد شخص مقصر مرتکب جنحه یا جنایتی هم شده است مجاکمه آن شخص رجوع می شود به مجاکمی که برای جنحه و جنایت معین شده است آنجا هم از دو حال خارج نیست یا آنکه استیناف دارد یا ندارد اگر استیناف دارد در ضمن سیر قانونی باید باستیناف هم برود اگر هم ندارد که سیر قانونی خود را می کند و باستیناف هم نمیرود بوجهت وقتی که بمجاکم عمومی رفت مجاکمه اداریش می ماند اگر در مجاکمه عمومی سیر قانونی خود را کرد و تیره حاصل کرد بر می گردد و با اداره و در مجاکمه اداری هم مجاکمه می شود و این ماده بخوبی واضح و روشن است و این که فرمودند شاید در مجاکمه عمومی تیره شده باشد بسیار خوب از آن جنحه و جنایتش تیره شده است ولی تصصیر اداریش که جای خود باقی است شاید در مجاکمه عمومی تیره و در مجاکمه اداری محکوم شود رئیس - جنابعالی که موافق بودید پیشنهادی است از طرف آقای حاج شیخ اسدالله (بشرح ذیل) قرائت شد

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - گمان می کنم آقای حاج شیخ اسدالله اشتباه فرموده اند برای این که این ماده خیلی واضح روشن نوشته شده است زیرا تصصیر بر دو قسم است یا جنحه و جنایت است یا تصصیر اداری است اگر در ضمن مجاکمه تصصیر اداری معلوم شد شخص مقصر مرتکب جنحه یا جنایتی هم شده است مجاکمه آن شخص رجوع می شود به مجاکمی که برای جنحه و جنایت معین شده است آنجا هم از دو حال خارج نیست یا آنکه استیناف دارد یا ندارد اگر استیناف دارد در ضمن سیر قانونی باید باستیناف هم برود اگر هم ندارد که سیر قانونی خود را می کند و باستیناف هم نمیرود بوجهت وقتی که بمجاکم عمومی رفت مجاکمه اداریش می ماند اگر در مجاکمه عمومی سیر قانونی خود را کرد و تیره حاصل کرد بر می گردد و با اداره و در مجاکمه اداری هم مجاکمه می شود و این که فرمودند شاید در مجاکمه عمومی تیره شده باشد بسیار خوب از آن جنحه و جنایتش تیره شده است ولی تصصیر اداریش که جای خود باقی است شاید در مجاکمه عمومی تیره و در مجاکمه اداری محکوم شود رئیس - جنابعالی که موافق بودید پیشنهادی است از طرف آقای حاج شیخ اسدالله (بشرح ذیل) قرائت شد

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - گمان می کنم آقای حاج شیخ اسدالله اشتباه فرموده اند برای این که این ماده خیلی واضح روشن نوشته شده است زیرا تصصیر بر دو قسم است یا جنحه و جنایت است یا تصصیر اداری است اگر در ضمن مجاکمه تصصیر اداری معلوم شد شخص مقصر مرتکب جنحه یا جنایتی هم شده است مجاکمه آن شخص رجوع می شود به مجاکمی که برای جنحه و جنایت معین شده است آنجا هم از دو حال خارج نیست یا آنکه استیناف دارد یا ندارد اگر استیناف دارد در ضمن سیر قانونی باید باستیناف هم برود اگر هم ندارد که سیر قانونی خود را می کند و باستیناف هم نمیرود بوجهت وقتی که بمجاکم عمومی رفت مجاکمه اداریش می ماند اگر در مجاکمه عمومی سیر قانونی خود را کرد و تیره حاصل کرد بر می گردد و با اداره و در مجاکمه اداری هم مجاکمه می شود و این که فرمودند شاید در مجاکمه عمومی تیره شده باشد بسیار خوب از آن جنحه و جنایتش تیره شده است ولی تصصیر اداریش که جای خود باقی است شاید در مجاکمه عمومی تیره و در مجاکمه اداری محکوم شود رئیس - جنابعالی که موافق بودید پیشنهادی است از طرف آقای حاج شیخ اسدالله (بشرح ذیل) قرائت شد

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - گمان می کنم آقای حاج شیخ اسدالله اشتباه فرموده اند برای این که این ماده خیلی واضح روشن نوشته شده است زیرا تصصیر بر دو قسم است یا جنحه و جنایت است یا تصصیر اداری است اگر در ضمن مجاکمه تصصیر اداری معلوم شد شخص مقصر مرتکب جنحه یا جنایتی هم شده است مجاکمه آن شخص رجوع می شود به مجاکمی که برای جنحه و جنایت معین شده است آنجا هم از دو حال خارج نیست یا آنکه استیناف دارد یا ندارد اگر استیناف دارد در ضمن سیر قانونی باید باستیناف هم برود اگر هم ندارد که سیر قانونی خود را می کند و باستیناف هم نمیرود بوجهت وقتی که بمجاکم عمومی رفت مجاکمه اداریش می ماند اگر در مجاکمه عمومی سیر قانونی خود را کرد و تیره حاصل کرد بر می گردد و با اداره و در مجاکمه اداری هم مجاکمه می شود و این که فرمودند شاید در مجاکمه عمومی تیره شده باشد بسیار خوب از آن جنحه و جنایتش تیره شده است ولی تصصیر اداریش که جای خود باقی است شاید در مجاکمه عمومی تیره و در مجاکمه اداری محکوم شود رئیس - جنابعالی که موافق بودید پیشنهادی است از طرف آقای حاج شیخ اسدالله (بشرح ذیل) قرائت شد

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - گمان می کنم آقای حاج شیخ اسدالله اشتباه فرموده اند برای این که این ماده خیلی واضح روشن نوشته شده است زیرا تصصیر بر دو قسم است یا جنحه و جنایت است یا تصصیر اداری است اگر در ضمن مجاکمه تصصیر اداری معلوم شد شخص مقصر مرتکب جنحه یا جنایتی هم شده است مجاکمه آن شخص رجوع می شود به مجاکمی که برای جنحه و جنایت معین شده است آنجا هم از دو حال خارج نیست یا آنکه استیناف دارد یا ندارد اگر استیناف دارد در ضمن سیر قانونی باید باستیناف هم برود اگر هم ندارد که سیر قانونی خود را می کند و باستیناف هم نمیرود بوجهت وقتی که بمجاکم عمومی رفت مجاکمه اداریش می ماند اگر در مجاکمه عمومی سیر قانونی خود را کرد و تیره حاصل کرد بر می گردد و با اداره و در مجاکمه اداری هم مجاکمه می شود و این که فرمودند شاید در مجاکمه عمومی تیره شده باشد بسیار خوب از آن جنحه و جنایتش تیره شده است ولی تصصیر اداریش که جای خود باقی است شاید در مجاکمه عمومی تیره و در مجاکمه اداری محکوم شود رئیس - جنابعالی که موافق بودید پیشنهادی است از طرف آقای حاج شیخ اسدالله (بشرح ذیل) قرائت شد



(اغلب قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد ۰ ماده چهل و دوم ۰

( اینطور خوانده شد )  
ماده ۴۷ - طرز جریان محاکمه و همچنین تشخیص انواع تصصیرات اداری و تعیین مجازات هر یک از آنها مطابق نظامنامه علیحده خواهد بود

رئیس - آقای شیخ الاسلام صفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام صفهانی - هیچ معلوم نیست نظامنامه که در این ماده نوشته شده کی باید ترتیب بدهد ؟ آیا مجلس باید ترتیب بدهد ؟ وزارت خانه باید ترتیب دهد هیچ معلوم نیست

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - اگر ماده ۶۶ مراجعه فرمایند جواب فرمایش ایشان در آنجا نوشته شده است و مخصوصاً قید شده است که تمام نظامنامهها را دولت باید باول حمل سنه آن به ترتیب بدهد

( آقای مستشار السلطنه پیشنهاد آقای اورا و شرح ذیل قرائت نمودند )

این بنده پیشنهاد می کند که در آخر ماده ۴۲ نوشته شود ولی در کلیه موارد لااقل پنجروز قبل از انعقاد مجلس تعقیب و محاکمه اداری باید مستخدم مظنون را کتبا از موضوع محاکمه مسبوق کرد و اجازه داد باستاندیکه بر علیه او ارائه خواهد شد رجوع نمود و لایحه دفاعیه بمحاکمه تقدیم نماید

رئیس - این پیشنهادی که آقای مخبر - در تقدیم داشته اند یکی از مواد طرز جریان امور اداره است و باید در نظامنامه نوشته شود زیرا ممکن است گاهی با مکتوبه و مکالمه محاکمه تمام شود و اختصاص باین مسئله که آقای داور پیشنهاد نموده اند ندارد و خیلی وجهیهای دیگر هم هست که تمام بایستی در نظامنامه نوشته شود

رئیس آقای داور (اجازه)

آقای میرزا علی اکبر داور - در اساس پیشنهاد بنده گمان می کنم هیچ مخالفتی نباشد فقط حرف در این است که این مسئله در نظامنامه نوشته شود یا در قانون آقای مخبر می فرمایند این مسئله جزو مواد طرز جریان امور اداره است و باید در نظامنامه نوشته شود بنده عرض می کنم اگر مستخدمی در یکی از ولایات تصصیر کرد کجا باید محاکمه شود در یکی از مواد قانون استخدام می نویسد در بعضی مواقع که تصصیر با اهمیت باشد باید در مرکز حاضر شده محاکمه شوند و این که بنده پیشنهاد کردم فقط از نقطه نظر اهمیت موضوع است

آیا وقتی يك چنین اتفاقی افتاد باید طرف را خبر کرد یا نه ؟ بنده ترسیدم مبادا گاهی اتفاق بیفتد که بدون اطلاع منم محاکمه چون این محاکمات مثل محاکمه عدلیه نیست که حکم قیامی صادر شود باید قیلا طرف را خبر داد که با بودن خود او يك حکمی بکنند این بود که بنده این پیشنهاد را کردم بملاوه اگر بنا شود بصرف آنچه در قانون نوشته میشود رأی داده شود باید در آتیه تولید اشکال بکنند وقتی که بنا شد در اطراف آن مذاکرایی پیدا شود ممکن است بمذاکرات مجلس و بیانات مخبر مراجعه شده آن اشکال مرتفع شود این توضیحی که آقای مخبر فرمودند بنده قانع شدم و پیشنهاد خود را پس می گیرم

رئیس - آقای حاج میرزا عبد الوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبد الوهاب - جوابی که شاهزاده سلیمان میرزا در ماده ۴۲ دادند اشاره بماده ۶۶ فرمودند که از آنجا معین شده و جواب فرمایش آقای شیخ الاسلام را می دهد بنده همچو چیزی ندیدم و باید این ماده جواب فرمایش آقای شیخ الاسلام را بنده

رئیس - این پیشنهادی که آقای اورا و شرح ذیل قرائت نمودند

داخل دراصل مطلب نباید شد . رأی می گیریم بماده چهل و دو آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند ( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد و سه ۰ به مضمون ذیل قرائت شد ماده ۴۳ - عموم مستخدمین دولتی حق دارند با رعایت یکی از دو شرط ذیل تقاضای خود را از خدمت بخواهند

۱ - پس از سی سال خدمت ۶۰ سال عمر ۲ - در صورت داشتن ۵۵ سال عمر و ۲۵ سال خدمت مشروط بر اینکه بیست سال آنرا متصدی مغل بوده باشد و هر گاه تحلیل قوا وضع و بیبری مانع نشود

و مایل باشد تا سن هفتاد نیز می تواند مشغول خدمت بماند ولی در هفتاد سالگی باید حتماً از خدمت معاف شوند دولت نیز می تواند با شرایط (۱) و (۲) مستخدمی را معاف نماید

رئیس - رأی می گیریم بماده چهل و سه آقایانی که ماده چهل و سه را تصویب می کنند قیام فرمایند ( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد (ماده چهل و چهار به مضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۴ - هر يك از مستخدمین که بر طبق ماده ۴۳ تقاضای خود را تقاضا نمود و یا تقاضا شد حق اخذ وظیفه تقاضای خود را از دولت خواهد داشت و ابتدای آن از روزی است که حقوق خدمت داده نشده بود

مخبر - در آنجا که نوشته شده وظیفه تقاضا نوشته شود (حقوق تقاضا)

رئیس - رأی می گیریم بماده چهل و چهار با تبدیل لفظ وظیفه بحقوق و لفظ حقوق بمقرری آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد (ماده چهل و پنج به مضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۵ - میزان وظیفه تقاضای مساوی است با يك شصتم حد وسط مقرری سه ساله اخیر خدمت ضرب دردهه سنوات خدمت

رئیس - رأی می گیریم بماده چهل و پنج آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند ( غالب نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد ماده چهل و شش رأی آقای مستشار السلطنه به مضمون ذیل قرائت نمودند

ماده ۴۶ - وظیفه تقاضای هیچوقت از سه ربع اصل مقرری که مأخذ قرارداده شده است ( حد وسط مقرری سه ساله اخیر ) تجاوز نخواهد نمود

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - در موقع شور اول آن لایحه قانونی مخصوصاً زائد بودن ماده چهل و شش احساس می شد که اگر آقایان هم عقیده داشته و بنده در این خصوص شرح مسوطی عرض کردم و عجاتاً هم بطور اختصار عرض می کنم در صورتی که چهل و پنج سال خدمت کنند ۳ ربع حقوق باو خواهند داد حالا اگر مستخدمی پیدا شد که بیش از چهل و پنج سال خدمت کرد آیا ۳ ربع زیادتر خواهد شد ؟

بنده که تصور می کنم چیزی زائد نشود بنابراین ماده عادلانه نیست بعلم اینکه اگر از نقطه نظر احصائیه و وجود حیوة و موات نفوس ملاحظه کنند خیلی کم اتفاق خواهد افتاد که مستخدمین چهل و پنجسال خدمت کنند و بیست و هفتاد برسند و من نمی دانم برای چه می خواهند این مسئله را محدود کنند بنابراین بنده مخالف باین ماده هستم و همانطور که در پیش گفته ام حالا هم عرض می کنم این ماده زائد است

مخبر - ما حساب کردیم در بعضی جاها تفاوت پیدا می شود باز هم این ماده بودنش بهتر است بهیچ جا ضرر وارد نمی آورد

رئیس - رأی می گیریم بماده و شش آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام فرمایند ( عده قلیلی قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد (ماده چهل و هفت جمعی اظهار نمودند چهل و شش رشده این ماده ۴۶ میشود)

رئیس - ماده چهل و شش قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

مستخدمینی که علیل یا بواسطه عارضه ناقص شده و از کار کردن بازمانند بطور رعایت مدت خدمت ثلث بلا کسر مقرری آخرین خدمت خود را مادام العمر بطور وظیفه دریافت می دارند ولی هرگاه عارضه مزبور در نتیجه ایفاء وظیفه یا برای نفع شخصی از تهلکه روی دهد نصف بلا کسر مقرری مزبور در حق آن شخص برقرار خواهد شد

بارعایت اینکه ثلث یا نصف مد کور از میزان حقوق تقاضای که میسر بود مطابق ماده ۴۶ به مستخدمین برود داده شود کمتر نباشد والا مبلغ اکثر در یافت خواهند نمود

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده عقیده دارم که در این فقره اول نسبت به مستخدمینی که کار افتاده اند و علیل شده اند ظلم می شود برای اینکه کار کرده و کور شده چرا باید ثلث حقوق بگیرد اقلاً در حق او نصف تصویب شود زیرا او هم در نتیجه خدمت کار افتاده ملاحظه فرمایند اینجا نوشته شده است ثلث بنده این عقیده بنده ظلم است که در حق او ثلث برقرار شود و باید نصف نوشته شود

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

رئیس - آقای شیخ الاسلام صفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - بنده در باب مستخدمینی که در نتیجه ایفاء وظیفه ناقص شده اند است که نصف درباره آنها کم است و مستخدمین دولتی از حقوقی که در وقت کار کردن دارا بوده اند در حق آن ها بر طرف شده است

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - البته نظریاتی آقایان واجب بر رعایت حال مستخدمینی که علیل یا بواسطه عارضه ناقص شده و از کار کردن بازمانند بطور رعایت مدت خدمت ثلث بلا کسر مقرری آخرین خدمت خود را مادام العمر بطور وظیفه دریافت می دارند ولی هرگاه عارضه مزبور در نتیجه ایفاء وظیفه یا برای نفع شخصی از تهلکه روی دهد نصف بلا کسر مقرری مزبور در حق آن شخص برقرار خواهد شد

بارعایت اینکه ثلث یا نصف مد کور از میزان حقوق تقاضای که میسر بود مطابق ماده ۴۶ به مستخدمین برود داده شود کمتر نباشد والا مبلغ اکثر در یافت خواهند نمود

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده عقیده دارم که در این فقره اول نسبت به مستخدمینی که کار افتاده اند و علیل شده اند ظلم می شود برای اینکه کار کرده و کور شده چرا باید ثلث حقوق بگیرد اقلاً در حق او نصف تصویب شود زیرا او هم در نتیجه خدمت کار افتاده ملاحظه فرمایند اینجا نوشته شده است ثلث بنده این عقیده بنده ظلم است که در حق او ثلث برقرار شود و باید نصف نوشته شود

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده عقیده دارم که در این فقره اول نسبت به مستخدمینی که کار افتاده اند و علیل شده اند ظلم می شود برای اینکه کار کرده و کور شده چرا باید ثلث حقوق بگیرد اقلاً در حق او نصف تصویب شود زیرا او هم در نتیجه خدمت کار افتاده ملاحظه فرمایند اینجا نوشته شده است ثلث بنده این عقیده بنده ظلم است که در حق او ثلث برقرار شود و باید نصف نوشته شود

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده عقیده دارم که در این فقره اول نسبت به مستخدمینی که کار افتاده اند و علیل شده اند ظلم می شود برای اینکه کار کرده و کور شده چرا باید ثلث حقوق بگیرد اقلاً در حق او نصف تصویب شود زیرا او هم در نتیجه خدمت کار افتاده ملاحظه فرمایند اینجا نوشته شده است ثلث بنده این عقیده بنده ظلم است که در حق او ثلث برقرار شود و باید نصف نوشته شود

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده عقیده دارم که در این فقره اول نسبت به مستخدمینی که کار افتاده اند و علیل شده اند ظلم می شود برای اینکه کار کرده و کور شده چرا باید ثلث حقوق بگیرد اقلاً در حق او نصف تصویب شود زیرا او هم در نتیجه خدمت کار افتاده ملاحظه فرمایند اینجا نوشته شده است ثلث بنده این عقیده بنده ظلم است که در حق او ثلث برقرار شود و باید نصف نوشته شود

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده عقیده دارم که در این فقره اول نسبت به مستخدمینی که کار افتاده اند و علیل شده اند ظلم می شود برای اینکه کار کرده و کور شده چرا باید ثلث حقوق بگیرد اقلاً در حق او نصف تصویب شود زیرا او هم در نتیجه خدمت کار افتاده ملاحظه فرمایند اینجا نوشته شده است ثلث بنده این عقیده بنده ظلم است که در حق او ثلث برقرار شود و باید نصف نوشته شود

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده عقیده دارم که در این فقره اول نسبت به مستخدمینی که کار افتاده اند و علیل شده اند ظلم می شود برای اینکه کار کرده و کور شده چرا باید ثلث حقوق بگیرد اقلاً در حق او نصف تصویب شود زیرا او هم در نتیجه خدمت کار افتاده ملاحظه فرمایند اینجا نوشته شده است ثلث بنده این عقیده بنده ظلم است که در حق او ثلث برقرار شود و باید نصف نوشته شود

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده عقیده دارم که در این فقره اول نسبت به مستخدمینی که کار افتاده اند و علیل شده اند ظلم می شود برای اینکه کار کرده و کور شده چرا باید ثلث حقوق بگیرد اقلاً در حق او نصف تصویب شود زیرا او هم در نتیجه خدمت کار افتاده ملاحظه فرمایند اینجا نوشته شده است ثلث بنده این عقیده بنده ظلم است که در حق او ثلث برقرار شود و باید نصف نوشته شود

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده عقیده دارم که در این فقره اول نسبت به مستخدمینی که کار افتاده اند و علیل شده اند ظلم می شود برای اینکه کار کرده و کور شده چرا باید ثلث حقوق بگیرد اقلاً در حق او نصف تصویب شود زیرا او هم در نتیجه خدمت کار افتاده ملاحظه فرمایند اینجا نوشته شده است ثلث بنده این عقیده بنده ظلم است که در حق او ثلث برقرار شود و باید نصف نوشته شود

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده عقیده دارم که در این فقره اول نسبت به مستخدمینی که کار افتاده اند و علیل شده اند ظلم می شود برای اینکه کار کرده و کور شده چرا باید ثلث حقوق بگیرد اقلاً در حق او نصف تصویب شود زیرا او هم در نتیجه خدمت کار افتاده ملاحظه فرمایند اینجا نوشته شده است ثلث بنده این عقیده بنده ظلم است که در حق او ثلث برقرار شود و باید نصف نوشته شود

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده عقیده دارم که در این فقره اول نسبت به مستخدمینی که کار افتاده اند و علیل شده اند ظلم می شود برای اینکه کار کرده و کور شده چرا باید ثلث حقوق بگیرد اقلاً در حق او نصف تصویب شود زیرا او هم در نتیجه خدمت کار افتاده ملاحظه فرمایند اینجا نوشته شده است ثلث بنده این عقیده بنده ظلم است که در حق او ثلث برقرار شود و باید نصف نوشته شود

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده عقیده دارم که در این فقره اول نسبت به مستخدمینی که کار افتاده اند و علیل شده اند ظلم می شود برای اینکه کار کرده و کور شده چرا باید ثلث حقوق بگیرد اقلاً در حق او نصف تصویب شود زیرا او هم در نتیجه خدمت کار افتاده ملاحظه فرمایند اینجا نوشته شده است ثلث بنده این عقیده بنده ظلم است که در حق او ثلث برقرار شود و باید نصف نوشته شود

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده عقیده دارم که در این فقره اول نسبت به مستخدمینی که کار افتاده اند و علیل شده اند ظلم می شود برای اینکه کار کرده و کور شده چرا باید ثلث حقوق بگیرد اقلاً در حق او نصف تصویب شود زیرا او هم در نتیجه خدمت کار افتاده ملاحظه فرمایند اینجا نوشته شده است ثلث بنده این عقیده بنده ظلم است که در حق او ثلث برقرار شود و باید نصف نوشته شود

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده عقیده دارم که در این فقره اول نسبت به مستخدمینی که کار افتاده اند و علیل شده اند ظلم می شود برای اینکه کار کرده و کور شده چرا باید ثلث حقوق بگیرد اقلاً در حق او نصف تصویب شود زیرا او هم در نتیجه خدمت کار افتاده ملاحظه فرمایند اینجا نوشته شده است ثلث بنده این عقیده بنده ظلم است که در حق او ثلث برقرار شود و باید نصف نوشته شود

مخبر - کسی ظلم کرده این ظلم نیست بلکه احسان است برای اینکه آن مدتی را که خدمت کرده حقوق برده است حالا هم که از کار افتاده دولت يك ثقلی از حق او می کند و بملاوه حالا که بیکار شده اینقدرها خرج نخراند داشت و اگر خیلی محتاج باشد از خراج هم باو کلاه خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)



رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده حقیقتاً نفهمیدم اشکال آقای گروسی چیست در سر خدمت فوت می کند نصف مقرری در سر خدمت را برای ورته اش برقرار می کنند و برای شخص متقاعد هم نصف وظیفه متاعی برقراری کنند چون در اینجا نوشته شده است از اینکه خدمت می کنند یا آثمائی که متقاعد شده است فوت نمایند نصف وظیفه تقاعدی الی آخر عقیده بنده این است که هر دو قسم را که نصف وظیفه تقاعدی نوشته اند چه فلسفه داشت که اینطور برقرار داده اند؟

بنا بر این دوست هزار تومان تفاوت خزانه مملکت باشد بلاوه مملکت دارای احصایه صحتی نیست که معلوم باشد چه وقت دختر نازش هروس شده و چه وقت بسن بلوغ رسید و هنوز هم با سمن ورته فلان دارند حقوق متوفیات می گیرند در صورتی که ممکن است آن طبقه هم از بین رفته باشند در این جا فقط اشاره بماده ۳ قانون وظایف می کند که حدود وارث را بتوانه معلوم کنند در صورتی که اگر سایر مواد قانون وظایف را که بنده پیشنهاد کردم مراجعه فرمایند اشاره شده است اینچاهم باید بماده ۳ قانون وظایف اشاره شود یعنی نوشته شود تا یازده سال برقرار می شود که این ورته مطمئن باشند که پیش از یازده سال با آنها حقوق داده نمی شود باید برود کسب کند والا اگر این طور بماند هم بدولت ضرر وارد می آید و هم آنها معطل و سرگردان هستند.

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - پیشنهاد آقای حائری زاده راجع می شود بماده ۵ که در این ماده ترتیب پرداخت و مدت را معین کرده است و ممکن است در اینجا این پیشنهاد را بفرمایند و ممکن است در آنجا هوس بیست و یکسال یازده سال پیشنهاد کنند حالا که در اینجا پیشنهاد فرمودند لازم است عرض کنم اگر ادارات دولت بی ترتیب باشد که ندانند تشخیص سن را بدهند تفاوت ندارد بیست سال یا یازده سال

رئیس - آقای سید محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمدهاشم میرزا - در جلسات متعدد کمیسیون رسیدگی با امتیاز نطق تشکیل شد و رسیدگی کرد و چند ماده او بیشتر باقی مانده ولی چون در سابق آقای رئیس الوزرا تشریف می آوردند و در این چند روز بواسطه گرفتاری تشریف نیاورده اند و باین واسطه کمیسیون تشکیل نشده بود و پس فردا بنا شده که کمیسیون تشکیل شود و وقتی که تشکیل شد بقیه آنرا تمام و بعرض مجلس خواهم رسانید چنین نبوده که تشکیل نشده باشد.

رئیس - آقای سید محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمدهاشم میرزا - غیر تشکیل نشده است و در این چند روزه اخیر بواسطه یاره پیش آمده تشکیل نشده است

رئیس - آقای سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده خواستم از آقایان نمایندگان استدعا کنم که کمیسیون های فوق العاده که ما داریم این کارهای متراکمی که داریم فکری برای آن بفرمایند که اگر آقایان موافق باشند پنج جلسه بود آن با این کارهای زیاد (نه این است که ما در سر پنج حاضر باشیم یا از اول آفتاب تا ساعت پنج و عیش حاضر هستیم

که کار کنیم) و خود مقام ریاست هم مسبوق هستیم که با این تراکم کار و پنج جلسه بودن با اینکه اینقدر لوایح دولت زیاد است و این کارهای فوق العاده که در کمیسیونها می باشد زیاد است و کمیسیونها هم در کارهای ضروری تأخیر می اندازند و لازم است که زودتر از مجلس بگذرد تا این وقت مجلس که همه روز طرف عصار است نمیشود کارها را تمام کرد این بود عراض بنده حالا خوب است از طرف مجلس نسبت باین جلسات عصر تخفیف داده شود که هفته سه جلسه بشود و هفته پنج جلسه نباشد و مقام ریاست هم بمقتضای نظامنامه ما بفرمایند و من گمان می کنم با بودن این همه لوایح این کمیسیونها نتوانند هر روز دو لایحه به مجلس بفرستند و با این ترتیب ممکن نیست کارها مرتب و اصلاح شود حالا مجلس هر طور رای می دهد مطاع است (ماده چهل و هشت قانون استخدام بمضمون ذیل قرائت شد)

رئیس - آقای سید فاضل (اجازه)

آقای سید فاضل - لایحه راجع به احشالی ارومیه چون مدتی بود که کمیسیون بودجه بلا تکلیف بود و گمان می کنم بشود در جلسه شنبه داخل در مذاکرات این لایحه بشوند و راپورت آنرا تقدیم مجلس نمایند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - در جلسات متعدد کمیسیون رسیدگی با امتیاز نطق تشکیل شد و رسیدگی کرد و چند ماده او بیشتر باقی مانده ولی چون در سابق آقای رئیس الوزرا تشریف می آوردند و در این چند روز بواسطه گرفتاری تشریف نیاورده اند و باین واسطه کمیسیون تشکیل نشده بود و پس فردا بنا شده که کمیسیون تشکیل شود و وقتی که تشکیل شد بقیه آنرا تمام و بعرض مجلس خواهم رسانید چنین نبوده که تشکیل نشده باشد.

رئیس - آقای سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده خواستم از آقایان نمایندگان استدعا کنم که کمیسیون های فوق العاده که ما داریم این کارهای متراکمی که داریم فکری برای آن بفرمایند که اگر آقایان موافق باشند پنج جلسه بود آن با این کارهای زیاد (نه این است که ما در سر پنج حاضر باشیم یا از اول آفتاب تا ساعت پنج و عیش حاضر هستیم

رئیس - آقای سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده خواستم از آقایان نمایندگان استدعا کنم که کمیسیون های فوق العاده که ما داریم این کارهای متراکمی که داریم فکری برای آن بفرمایند که اگر آقایان موافق باشند پنج جلسه بود آن با این کارهای زیاد (نه این است که ما در سر پنج حاضر باشیم یا از اول آفتاب تا ساعت پنج و عیش حاضر هستیم

رئیس - آقای سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده خواستم از آقایان نمایندگان استدعا کنم که کمیسیون های فوق العاده که ما داریم این کارهای متراکمی که داریم فکری برای آن بفرمایند که اگر آقایان موافق باشند پنج جلسه بود آن با این کارهای زیاد (نه این است که ما در سر پنج حاضر باشیم یا از اول آفتاب تا ساعت پنج و عیش حاضر هستیم

تمام بدهد و آن کسی که بیمه داده گاهی هم می شود که مالش تلف نمی شود اما یکی می دهد مالش تلف می شود و تمام را صندوق بیمه باید بپردازد بیمه یک عملی است که یک جمعیت یا مملکت در تحت این کارشان تامین می شود مستخدمین هم این وجوه را باید بدهند در صورتی که ممکن است بسن تقاعد نرسیده منفصل بشوند خارج شوند و حال آنکه آنچه داده اند دیگر نخواهند گرفت موافق مواد این قانون آنچه میدهند برای کسانی است که می مانند تا بسن تقاعد برسند و شاید در سایر ممالک باشخصی که بسن تقاعد نرسیده اند چیزی داده نمی شود ولیکن ما دقت کردیم و خیلی مذاکرات هم کردیم که اگر مستخدمین در بین وفات بگردند از آنچه داده اند چیزی هم بورتیه آنها می رسد.

این صندوق بکدر چه حفاظ شده و بعد از چند سالی اول اگر این وجوه داده شود صندوق می تواند خود را اداره کند یعنی وجوهی که بصندوق داده می شود برای حقوق وراثت آنها کافی خواهد بود دیگر از مالیه دولت تقاضای اضافه نخواهند نمود ولی البته چند سال اول مبلغ کسر است و تکافو نمی نمایند و اینکه بنا بر مقتضیات بیمه آنهائی که این وجوه را بصندوق می دهند حقا نیاستی چیزی بگیرند لیکن ما نمی توانیم این را قبول کنیم که هیچ بگیرند و یک امر متوسطی اختیار کردیم والا تا بسن تقاعد نرسیده اند حقوقی بورتیه شان نخواهند داد

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)

حاج میرزا علی محمد - بنده مقصود را نفهمیدم ولی گمان می کنم ظاهر آن مقصود این است که کسوری که از بابت حقوق شخص متوفی در صندوق وظایف جمع شده است ثلث او را بورتیه متوفی خواهند داد اگر مقصود این است بنده هیچ دلیلی نمی بینم که وقتی يك مستخدمی يك چیزی برای ورته اش در صندوق گذارده دو ثلثش را دولت ببرد زیرا این در واقع حقوق خود آن شخص متوفی است که برای ورته خویش در صندوق گذارده است و خوب است در مواردی که مقصود است بیاورد ندارد و امثال این یا ضابطه دولت بشود و از گرفتن حقوق تقاعد محروم باشد.

ولی در موردی که متوفی بعد از ده سال فوت شد و یا بعد از ده سال فوت شد و داشته بچه دلیل يك ثلث بورتیه بدهند و دو ثلث دیگرش را دولت ببرد زیرا چیز خارجی که مجاناً باو داده نشده و آنچه که باو میرسد در حقیقت پولی است که از مزایای خود در کسر گذارده اند برای او ذخیره شده است بنا بر این باید کلیه آن مبلغ را باو بدهند بنده نمی دانم کمیسیون

چه نظری داشته که يك ثلث را برای ورته و دو ثلث دیگر را برای دولت قرار داده است باز اگر قضیه را بعکس قرار می دادند یعنی دو ثلث برای ورته و يك ثلث برای دولت قرار می دادند چیزی بود و حال آنکه بعقیده من باید تمام بورتیه پرداخته شود

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - اول این ماده باید اصلاح شود یعنی ماده ۴۸ باید ۴۷ بشود اما این که آقای حاج میرزا علی محمد می فرمایند چرا بورتیه يك ثلث داده می شود چنانچه آقای مضر هم توضیح دادند اگر سایر قوانین مراجعه بفرمایند ملاحظه خواهید فرمود که در هیچ جا دیناری داده نمی شود زیرا باید فوائد صندوق را حساب کرد و يك جمعی برای صندوق فرض نموده اند و يك خرجی و خرج آن خیلی بیشتر از جمع است یعنی یک نفر مستخدم در تمام دوره استخدام از هجده سالگی تا شصت سالگی که در کمیسیون حساب شده از بابت صد پنج و سایر کسوریکه نوشته شده فقط هزار و پانصد تومان بصندوق دولت خواهد داد و نسبت بعضی چیزهای دیگر از قبیل جرائم بامدت غیبت و مرخصی تقریباً سرمایه را مضاف حساب بفرمایند در صورتی که اگر مضاعف هم نمی شود و در سایر جاها که مضاعف حساب می کنند برای این است که این سرمایه را با ربح معین بیابان بگذارند بنا بر این باین حساب شاید سه هزار تومان بشود ولی از طرف دیگر وقتی درست ملاحظه بفرمائید مطابق اصل شصتم يك نفر از مستخدمین با ترفیع درجه باید در ماه صد و هفتاد تومان شما حقوق تقاعد بدهید حالا سه هزار تومان را شما حساب بفرمائید ببیند کم است یا نه دو سال حقوق تقاعد مستخدمی را نمی کند و ممکن است مستخدمی ۶۰ و ۷۰ یا ۸۰ سال عمر کند آنوقت از کجا باید حقوق تقاعد باو داده شود و باید ثلث او را بورتیه ذکرورش بدهند و اگر انان باشد تا شصت اختیار نکرده باو بدهند بازم در ماده دیگر که ملاحظه خواهید فرمود در عاریت حال صغار شده یا بمعنی که هر کدام از وراثت مردند سهم او را دولت ببرد و سایر وراثت دیگر بدهد زیرا کمیسیون این را حق آنها تصور کرده است نه حق دولت علاوه بر این يك وجوهات دیگری از این صندوق باید باشخص داده شود چنانچه برای کسی که دو سال خدمت کرده و عیال شده الان رأی داده يك ثلث حقوق از صندوق باو داده شود و همینطور برای مستخدمی که در موقع ایفا وظیفه از یاد آرید رأی دادید دو ثلث حقوق داده شود آخری بدیم بدیم باید از يك جا هم بگیریم پانسه ؟

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)

حاج میرزا علی محمد - بنده مقصود را نفهمیدم ولی گمان می کنم ظاهر آن مقصود این است که کسوری که از بابت حقوق شخص متوفی در صندوق وظایف جمع شده است ثلث او را بورتیه متوفی خواهند داد اگر مقصود این است بنده هیچ دلیلی نمی بینم که وقتی يك مستخدمی يك چیزی برای ورته اش در صندوق گذارده دو ثلثش را دولت ببرد زیرا این در واقع حقوق خود آن شخص متوفی است که برای ورته خویش در صندوق گذارده است و خوب است در مواردی که مقصود است بیاورد ندارد و امثال این یا ضابطه دولت بشود و از گرفتن حقوق تقاعد محروم باشد.

اگر بنا باشد آقایان عقیده داشته باشند تمام پولی را که بکنفران داده باو رد کنند آنوقت باید قبول بفرمایند آنهم کسی سال یا شصت سال خدمت کرده تمام او را هم رد کند آنوقت بیکنفران باید ده برابر یا بیست برابر آنچه که بصندوق داده است حقوق تقاعد بدهد

آنوقت تمام کسورات صندوق تقاعد را مجبوریم از صندوق عمومی مملکت واز بودجه بیت المال جبران کنیم و بالاخره نتیجه این خواهد شد که مالیات جدید وضع کنیم و حقوق تقاعد بورت مستخدمین بدهیم این است که در سایر جاها که مستخدم هنوز بسن تقاعد نرسیده اگر فوت کرد بیاورند یا اگر استعفا کرد یا منفصل شد در مقابل محکومیت طبعاً چیزی بآنها داده میشود و آنوقت همه اینها قهراً جزء جمع دولت خواهد شد و اول در کمیسیون همین ترتیب منظور شده بود

ولی چون مسئله بیمه در انتظار شاید قدری ظلم و اجحاف بنظر می آید بعد از گفتگوهای زیاد که در دادگاه يك ثلث بعد از فوت او بورتیه اش داده شود حالا اگر آقایان در نظر دارند هر چه هست باو بدهند باید این را هم در نظر بگیرند که از کجا پرداخته شود آنوقت دولت و وزیر مالیه در ضمن بودجه پیشنهاد خواهند کرد امثال از بابت کسر حقوق تقاعد صد هزار تومان یا دو صد هزار تومان بلکه یک میلیون فرض این است فکر این کسر را آقایان بفرمایند کمیسیون بعد از اینکه حساب کرد دید باز در سنوات اول تا ده سال ضرر مملکت رفع کرد والا در سایر جاها این اندازه هم نمیدهند خلاصه این است که کمیسیون بیش از يك ثلث را قبول ندارد دیگر بست به رأی آقایان است.

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - اگر بمواد فصل حقوق تقاعد نگاه کنیم می بینیم این حقوقی که از بابت حقوق مستخدمین کسر می شود برای این است که در مقابل حقوق تقاعد بآنها داده شود و بلاهوس چیزی بآنها داده نمی شود اینطور که آقای مضر می فرمایند که این صندوق بیمه است اینجا بیمه مورد ندارد بلکه این يك حقوقی است که از محل پرداخته است مستخدمین جمع می شود که از این حقوق تقاعد بآنها بدهند و یک ماده وضع کرده اند این حقوق تقاعد در این قانون که شما نوشته اید بخواهند در این قانون که شما نوشته اید قضاوت کنند اینطور معنی دارد که از هر کس پولی کسر کرده اند باید یا تقاعد باو بدهند یا پول او را بیاورند بداند مغیر - موافق این قانون هر کس

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - عراض بنده در این ماده یکی راجع بسن است که سابقاً هم در مجلس مکرر ملاحظه شده و باید بیست سال نوشته شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - عراض بنده در این ماده یکی راجع بسن است که سابقاً هم در مجلس مکرر ملاحظه شده و باید بیست سال نوشته شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - عراض بنده در این ماده یکی راجع بسن است که سابقاً هم در مجلس مکرر ملاحظه شده و باید بیست سال نوشته شود

که مستخدم شد قبول کرده است که باید آن کسور را بدهد اهم از اینکه بعد چیزی ببرد یا نبرد و کسانی که دسر خدمت می مانند یا بعد تقاعد می رسند یا اینکه جوان بوده و مرده است از اول در زمان حیوة او باو می گویند بتو صدی پنج در زمان تقاعد می دهیم این قانون او را ملزم کرده و حقوق او را صد پنج کسر قرار داده و از اول باو می گویند باو صد پنج کسر خواهیم داد اگر بسن تقاعد رسیدی آنوقت حقوق تقاعد بتو خواهیم داد و همینطور برای اینکه ورته ات در احتیاج نباشد ثلث حقوق تو را تا بیست و یکسال بورتیه ات خواهیم داد در هر حال این صندوقی است که باید خودش خود را اداره کند و نمی تواند تعمیلی به خزانه دولت باشد

زیرا دولت خودش ملایمه خرج دارد و از این قبیل صندوقها در مالک خارجه زیاد است و کارگران برای تأمین آتیه خودشان این صندوق را تأسیس می کنند برای اینکه در موقع تنگدستی و فقر برای آنها تأمین باشد حالا ما تازه می خواهیم يك صندوقی برای تأمین آتیه مستخدمین و وراثت آنها تشکیل بدهیم و در سایر قوانین هم چیزی بورتیه آنها از این پولی که میدهند پرداخته نمی شود منتھی باید نظر گرفتن و ضمیمات فعلی مملکت ما این ماده را وضع کردیم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - عراض بنده در این ماده یکی راجع بسن است که سابقاً هم در مجلس مکرر ملاحظه شده و باید بیست سال نوشته شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - عراض بنده در این ماده یکی راجع بسن است که سابقاً هم در مجلس مکرر ملاحظه شده و باید بیست سال نوشته شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - عراض بنده در این ماده یکی راجع بسن است که سابقاً هم در مجلس مکرر ملاحظه شده و باید بیست سال نوشته شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - عراض بنده در این ماده یکی راجع بسن است که سابقاً هم در مجلس مکرر ملاحظه شده و باید بیست سال نوشته شود



یکی دیگر راجع به حقوق اشخاصی که از این حق محروم می شوند مثلا اولاد ذکور بن سن بیست سال میرسد و انان هم شوهر اختیار میکنند یا یکی از اینها فوت کرد بنده عقیده ام این است که جزو صندوق محسوب شود زیرا برای اینکه این صندوق کفایت بدهد مطابق نظریه شاهزاده سلیمان میرزا باید از هر قبیل موارد باشد و در این قبیل موارد باید دیگران از حق خود بگذرد برای اینکه آن وجوه برای کسانی که مستحق تر و اولی تر هستند در صندوق باقی می ماند

**مخبر -** در باب بیست سال و بیست و یکسال چندان قیدی نیست و ما هم بیست سال را قبول می کنیم اما مطلب دومی را که فرمودند نمی توانیم ملحوظ نداریم و چون فرضاً بکنفری مرده و چند نفر ورثه دارد ما آن چیزی را که باید بدهیم باید تمام اینها بدهیم مثلا اگر ورثه سه نفر بودند و یک نفر از آنها مرد سهم او را بآن دو نفر دیگر می دهیم یا اگر بکنفر هم باقی ماند سهم آنها را هم باو باید داد زیرا اینها افراد يك خانواده هستند

مقصود تأمین معیشت آنها است از این باب است که در مورد انان اختیار کردن شوهر را ماخذ قرار دادیم چون وقتی شوهر اختیار کنند معاش او تأمین می شود و چون افراد يك خانواده در حکم يك نفس واحد است و این حقوق باین خاندان داده می شود حالا چه بکنفر بماند یا دو نفر یا هر چند نفر این حقوق را تا وقتی هستند باید به اینها داد

**رئیس آقای حائری زاده**  
(اجازه)

**حائری زاده -** بنده صبیح و لازم می دانم که برای مستخدمین دولت وقتی که از کار کناره کناره می کنند بک وسائل تأمین معاش فراهم شود ولی این ترتیب که حقوق تقاعد پورته داده شود يك حس تنبلی ایجاد میکند که مردم دنبال کار و کسب نمی روند و اگر ممکن بود وجوهی که از صندوق وظایف جمع می شود پس از فوت بانها دفعتاً داده شود که برود مشغول کسب و کار شود بهتر بود

حالا که کمسیون این نظر را اصلاح ندانسته باز ما دو قانون وظایف را بنده عقیده دارم اجرا کنیم و مدت را پانزده سال قرار دهیم اینکه در مملکتی که احصائیه صعبی ندارد یکمده طلبکار دائمی برای دولت و مملکت تهیه کنیم و آن تبصره که بنده پیشنهاد کرده بودم و شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند موردش اینجا است اسفنداً می کنم آقای مخبر قبول فرمایند

سلیمان میرزا - همانطور که

فرمودند بنده عرض کردم آن پیشنهاد موقمش اینجا است و حالا هم جوابش را عرض می کنم

اینکه میفرمایند همین طوری بدون قید مدت پانزده سال بوده بدهند این ضرر برای دولت ندارد زیرا اگر اطفال شخص متوفی بیش از بیست سال یعنی مثلا سی سال هم داشته باشد بنا بر عقیده جناب عالی باید پانزده سال باو حقوق بدهند و تا سن سی و دو سالگی باید باو حقوق داد بنا بر این این مسئله را نمی توان ثابت قرار داد نظری که کمسیون داشت این بود که اولاد اشخاصی که در ادارات خدمت می کنند از این حقوق تقاعد استفاده کرده و دوره تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را تمام کنند و از حیث معاش هم نسبتاً راحت باشند بهمین ملاحظه مدت را بیست سال قرار دادیم و بنظر کمسیون این ترتیب مناسب تر بوده اما مسئله دیگری که اگر یکی از آنها فوت کرد سهم او ب دیگری برسد

فرض بفرمائید یکی مرده و يك پسر و يك دختر دارد

آیا تمام وظیفه را آنها خواهند داد؟ خیر بیشتر از ثلث حقوق متوفی را آنها نمی دهند همین طور هم وقتی که آن ورثه مرد سهم او را باید ب دیگران داد زیرا در میان يك هائله اگر یکی فوت کرد نسبت بمخارج آن خانواده چندان فرق نمی کند مثلا فرض بفرمائید بعد از مردن یکی از اعضای ادارات بکزن با چهار بچه برای او باقی می ماند بعد از آنکه يك بچه شیر خواره از این هائله مرد و در مخارج آن خانواده بواسطه مرگ این طفل هیچ فرق نمی کند پس انصاف عدالت حکم و تجویز می کنند که تا آن وقتی از آن خانواده و شجره کسی باقی است و به آن حد رسیده از این حقوق بهره مند شود

**رئیس آقای حاج میرزا مرتضی**  
(اجازه)

**حاج میرزا مرتضی** عرض بنده همان بود که آقای حاج شیخ اسدالله راجع بیست سال فرمودند آقای مخبر هم قبول کردند و راجع به آن فرمایشی هم که آقای حائری زاده فرمودند بنده عقیده دارم همین ماده که کمسیون اتخاذ کرده خیلی خوب است (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

**رئیس پیشنهاد آقای شیخ الاسلام**  
فرائت می شود (بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در فقره اول ماده ۴۹ اینطور نوشته شود ورثه ذکور ۲۲ سال تمام

(شیخ الاسلام اصفهانی)

**رئیس آقای شیخ الاسلام**  
(اجازه)

**شیخ الاسلام -** بنده در هوراو هم با بیست و یکسال مخالف بودم ولی چون حالا آقای مخبر قبول کردند که بیست سال باشد بنده پیشنهاد خود را مسترد می دارم

**رئیس پیشنهاد آقای مخبر السلطنه**  
فرائت می شود (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که سهم متوفی و شوهر رفته و آن که از بیست سال بگذرد نصف حقوق آنها را دولت ضبط کند نصف را بسایرین بدهد

(مهدیقلی مخبر السلطنه)  
**رئیس آقای حاج مخبر السلطنه**  
(اجازه)

**حاج مخبر السلطنه** چون هر کدام از ورثه که از بین میروند از مخارج آن خانواده يك چیزی کسر میشود

شاهزاده سلیمان میرزا مثل را به طفل خورد سال يك ساله و دوساله زدند بنده مثل را بجوان ده ساله یا پانزده ساله می زنم

که اگر از بین بروند تفاوتی در مخارج حاصل می شود از اینجهت اگر نصف کنند هم رعایت حال ورثه شده وهم رعایت حال دولت بعمل آمده است

**مخبر -** خود این حقوق تقاعد که به ورثه میرسد ثلث است دیگر اینکه اگر بنا بشود نصف او را در حق دیگری منظور کنیم چه میشود؟ يك مبلغ خیلی مختصری خواهد شد که قابل ذکر نیست

**رئیس -** رأی می گیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج مخبر السلطنه . . . .

**حاج مخبر السلطنه -** بنده پیشنهاد خود را پس می گیرم

**رئیس -** آقای حائری زاده (اجازه)

**حائری زاده -** فرمایشاتی که حضرت والا فرمودند بنده را قانع نکرد ما برای اروپا قانون نمی نویسیم بلکه برای ایران انشاء می کنیم تجربیات گذشته را هم ما باید همیشه در جلوی چشم خود داشته باشیم و آنها را فراموش نکنیم مجلس اول يك قانون وظایفی نوشته و ببینید چه شکل بموقع اجرا گذارده شده است؟

يك حقه بازبائی برای گرفتن پول از دولت همیشه در جریان بوده است در مملکتی که احصائیه صعبی وجود ندارد که از آن رو بتوانند جزئیات حقایق را کشف کنند مسلماً حقوق به ارباب استحقاق نخواهد رسید و در نتیجه شاید با این عنوان ممکن است استفاده کنند مقصود

بنده این است که بعد از پانزده سال این حقوق قطع شود و وقتی ورثه فهمیدند دیگر حقوقی با آنها داده نمی شود عقب کار و کسب میروند

**مخبر -** این قانون برای رفع نواقص است. باید جدا کرد قانون اجرا شود اگر اعتراض شما راجع بتقلب است در پانزده سال هم ممکن است تقلب بکنند در این صورت بعقیده من ایرادی ندارد

**رئیس -** پیشنهاد آقای آقا سید فاضل فرائت می شود (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که سهم ورثه ذکور که بن سن بیست ساله رسید و سهم ورثه انان که شوهر اختیار کرده و سهم آن هائی که فوت شده در صندوق بماند و بسایر ورثه داده نشود

(سید فاضل کاهانی)  
**رئیس -** آقای آقا سید فاضل (اجازه)

**آقا سید فاضل -** بنده گمان میکنم اغلب آقایان خیال کرده اند این حقوقی که در ایام خدمت مستخدمین در صندوق جمع می کنند میراث آنهاست

خیر اینطور نیست شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند اگر مرد باید پورته داد این صحیح است ولی بنده این را میراث نمی دانم بلکه حقوق مستخدمین را سوی آنهاست که در صندوق میگذارند میدانم و این را ملك مستخدمین نمی دانم و مخصوصاً با وضعیت تهی بودن این صندوق که آقای مخبر شرح دادند بنده عقیده ام این است

در صورتی که ورثه ذکور بن سن بیست سال رسید و انان شوهر اختیار کرد و یا یکی از ورثه فوت کرد سهم این سه دسته از ورثه بنفع سایر مستخدمین دولت در صندوق بماند و بسایر ورثه چیزی داده نشود

**رئیس -** آقای سلیمان میرزا (اجازه)

**سلیمان میرزا -** توضیح را بنده قبلا عرض کردم

**رئیس -** رأی می گیریم پیشنهاد آقای آقا سید فاضل آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (دوسه نفری قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب نشد بقیه مذاکرات بماند برای روز شنبه. آقای سردار معظم (اجازه)

**سردار معظم کردستانی -** در چندی قبل از طرف دولت دوسه فقره حقوق درباره علمای کردستان پیشنهاد شده بود و لایحه آنها طبع و توزیع شده است چون مسئله جزئی و قابل اهمیت نیست تقاضا دارم جزو دستور آتیه باشد

**رئیس -** در این باب مخالفتی نیست اظهاری نشد

**رئیس -** جزو دستور میشود. آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

**حاج میرزا عبدالوهاب -** لایحه حقوق تقاعد وزارت جنگ متعلق به نه نفر باز اعضای آنوزارتخانه نه دیشب مذاکره شد نه امشب خوب است جزو دستور روز شنبه بشود

**رئیس -** جزو دستور خواهد بود (مجلس دوساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

**رئیس مجلس مؤنن الملك جلسه یکصد و شصت و ششم صورت مشروح مجلس یوم شنبه نوزدهم عقرب ۱۳۰۱ مطابق بیست و یکم ربیع الاول ۱۳۴۱**

مجلس یکساعت قبل از غروب بریاست آقای مؤنن الملك تشکیل گردید

سورت جلسه یوم پنجشنبه هفدهم عقرب را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب -** عرضی ندارم

**رئیس -** آقای محمد هاشم میرزا - عرضی ندارم

**رئیس -** نسبت بصورت جلسه ایرادی نیست؟ (گفته شد خیر)

**رئیس -** صورت مجلس تصویب شد. آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب -** عرض بنده راجع بصورت جلسه بود که رفع اجتهاد شد و حالا عرضی ندارم

**رئیس -** آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

**حاج میرزا مرتضی -** در چند جلسه قبل از این آقای داور راجع باعتبار نامه آقای شیخ عبدالکریم از آقای مخبر تقاضا کردند که رایزرها آن را بدهند آقای مخبر هم بدو جلسه بعد وعده دادند و تا بحال چیزی از شعبه بمجلس نیامده میخواستم تا کیدی بفرمائید که زود تر راپرت آقای شیخ عبدالکریم را بمجلس تقدیم دارند تا اینکه تکلیف ایشان معلوم شود

**هو سه نفر از نمایندگان -** راپرت پوررضا نه شیخ عبدالکریم

**رئیس -** قانون استخدام از ماده پنجاهم مطرح است (ماده پنجاهم بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵۰ - میزان وظیفه که مطابق